

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت روز عید مبعث - 20 دی / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم این روزبزرگ رابه همه امت اسلامي در اقطار عالم و به ملت شريف و عزيز ايران و به شما حضار محترم و مسؤولين زحمتکش و پرتلاش و پرتوان کشور، تبریک عرض مي کنم. اهميت روز مبعث از لحاظ معنوي، حقيقتاً بيش از آن مقداري است که امثال بنده بتوانيم درباره آن، سخن روشنگري بيان کنيم. لکن از لحاظ تأثير بعثت در زندگي انسانها در ادوار مختلف تاريخ، نکاتي هست که درباره آنها مي شود حرف زد.

بعثت در روز اول، در يك خلأ به وجود آمد و بشريت واقعاً محتاج آن بعثت بزرگ بود. خدای متعال هم بر طبق حکمت بالغه اش، مکان اين انگيزش عظيم و اين واقعه بزرگ را جايي قرار داد که مفاهيم واقعي بعثت، بدون آلوده شدن به مفاهيم رايج و دایر آن روز، هم در دنياي آن روز شناخته شود و هم در تاريخ صحيح بماند. اين، خودش نکته اي است که ممکن بود - فرض بفرمایيد - بعثت آخرين، در روم آن روز، در يونان آن روز و در کشورهاي پيشرفته آن روز، اتفاق بيافتد.

در زمان بعثت، تمدنهای بزرگي در دنيا بودند. ملتهاي وجود داشتند که از فلسفه و معارف بشري و آگاهيهاي مدنيتي بهره برده بودند. مي شد بعثت آخر، در آن کشورها و در آن مناطق اتفاق بيافتد. اما خدای متعال، اين بعثت را که در طول تاريخ - و خدا مي داند چند هزار سال - بنا بود براي بشر بماند، به آن جاها نبرد. اين بعثت را در جايي نبرد که از هنگام انعقاد اين فکر و اين دعوت، عنصر بيگانه اي بتواند در آن داخل شود. در همان منطقه مغرب زمين آن روز، مناطقي بودند که تمدنهای بزرگي داشتند. برخوردارشان با پيغمبران نشان مي دهد که داراي مدنيتهايي بوده اند. از جمله، همان مردم شهر انطاقيه، که در سوره «ياسين»، خداوند داستان فرستادن سه پيغمبر رابه آن جا، در عرض هم، نقل مي کند. آخرش هم ناسپاسي آن مردم است. اين، چيز کمی نيست. تاريخ هم براي ما چيزهايي را از آن ملتها نقل کرده است. اين پيغمبر را در آن جا قرار نداد.

در جزيرة العرب، معارف بشري وجود نداشت. شرک بود و معارف شرک آلود، در حد نازل. لذا در قرآن هم ملاحظه مي کنيد که با شرک، یک مبارزه جدی شده است. سوره «اخلاص» که «لم يلد ولم يولد» را اين همه درشت کرده است و در اين سوره کوچک چهار آيه اي، «لم يلد و لم يولد» در قلب قرار گرفته و «ولم يكن له كفواً احد» برجسته و متأللي است؛ براي اين است که شرک از ذهنها زدوده شود و با پيام خدا مخلوط نگردد. هر کار شرک آلودي در اسلام مردود شده است. ولي از اين که بگذريم، اسلام خالص متولد شد؛ به اکناف عالم خالص منتقل شد؛ خالص منتشر شد. لذا هر جا رفت، بُرندگي و برجستگي خودش را در مقابله با تمدنها و فرهنگهاي مختلف نشان داد؛ تا وقتي که بتدريج، دعوت کنندگان از آن خلوص افتادند و دعوت هم از آن خلوص افتاد. اين بعثت، یک امر دائمي براي بشر است. و اين، خصوصيت بعثت خاتم الانبيا صلي الله عليه وآله وسلم است. يعني هر وقت که زمينه عالم وزندگي بشر از معنويت تهی شود، همين معارفي که قرآن کریم به آن ناطق است، مي تواند در هر زماني بيايد و آن خلأ را پر کند. كيفيت معارف اسلامي آن چنان كيفيتي است که در همه شرايط، نيرويي در درون اين مجموعه قانوني و مجموعه معارف وجود دارد که در همه شرايط مي تواند خلأهاي معنوي را پر کند و به بشريت امکان زيستن در فضاي معنوي را بدهد.

امروز هم يکي از همان شرايط است. شرط اين که یک دعوت بتواند در ميان ملتها و کشورها جاي خودش را پيدا کند و مستمعي بيايد، چيست؟ اول، منطقي و معقول بودن است. هر سخني که اسلام را از منطق عقلايي که از آن برخوردار است جدا کند، به رشد و انتشار اسلام ضربه مي زند. کساني که درباره مسائل اسلامي سخن مي گویند و اظهار نظر مي کنند، به اين نکته توجه کنند. اسلام عقلايي است. اسلام ديني است که عقل سالم و فطري، آن را مي فهمد، درک مي کند و مي پسندد و مي پذيرد. اين، خصوصيت اسلام است. نه به معنای اين که هر حکمي از احکام اسلام، یک برهان عقلايي بايد در کنارش باشد. نماز صبح چرا دو رکعت است؟ یک برهان عقلي لازم دارد؟ نه. به اين

معنا هم نیست که هر عقلي هر چه که فهمید و درک کرد، باید در اسلام بشود آن را پیدا کرد. این هم نیست. بلکه به این معناست که معارف اسلامي - آنچه که استناد آن به اسلام مورد قبول است و اهل خبره و اهل فن، قضاوت مي کنند که این مربوط به اسلام است - در هر محیط عقلاني و علمي، قابل دفاع است. نماز را مي شود براي مادّي ترين انسانهاي دنيا توجیه کرد، تفهیم کرد و گفت نماز چیست و چرا اسلام نماز را لازم دانسته است. يکي از متفکرين غربي در قرن نوزدهم که قرن بي ديني غرب است - شخص نامدار معروفی است که من نمي خواهم اسم بیاورم - مي گوید: «در نماز راز عظيمي نهفته است.» آري؛ اگر در آن، راز عظيمي نهفته نبود، در آن محیط مادّيگرا، يک انسان متفکر، این طور نسبت به آن شعار نمي داد. انسانهاي باانصاف، انسانهاي اهل علم، عقل، منطق و استدلال، تمام معارف اسلامي را مي توانند درک کنند؛ مي توانند بپسندند و بپذیرند. این، خاصیت اسلام است. پس، منطقي بودن و عقلاني بودن، از خصوصيات اسلام است. اگر کسانی سعی کنند که اسلام را از این خصوصیت جدا کنند یا در تبلیغات بگویند «اینها ضد علم و ضد عقل است»، یا این که در عمل، حرفهایی را به اسلام نسبت دهند که از اسلام نیست و قابل این که يک عقل سالم آن را تصدیق و تأیید کند نیست، اینها قطعاً به نشر اسلام ضربه مي زنند و هيچ کمکی نمي کنند. این، يکي از خصوصيات عناصر دروني است که اسلام را مي تواند منتشر کند.

خصوصیت ديگر اسلام این است که معنوي و الهی است. يعني به خلاف آنچه که نسبت به مسیحیت داده مي شود که جنبه هاي آخرت در مسیحیت بر جنبه هاي دنيايي غلبه دارد، اسلام این طور نیست. اسلام دنيا را هم جزو آخرت مي داند. همين زندگي شما، همين تجارت شما، همين درس خواندن شما، همين کار اداري شما، همين کار سياسي شما، جزو آخرت شماست. دنيا هم قطعه اي از آخرت است، یا این کارهايي است که شما با نيّت خوب به جا مي آوريد. این حسنه اي است که در آخرت شما را به قربات الهی و مقامات معنوي مي رساند. یا خدای نکرده با نيّت بد، با نيّت خودخواهي و خودپرستي این عمل را انجام مي دهيد، که آن وقت موجب انحطاط و تنزل و سقوط در درکات است.

اسلام این گونه است. تمام محیط زندگي ما، تمام تلاشهاي دنيايي ما، بخشي از آخرت است. دنيا و آخرت، جدا نیست. بد، آن است که این تلاش مادّي روزمره مربوط به زندگي این نشئه را، شما با نيّت بد انجام دهيد. آن دنيايي مذمومي که گفته اند، این است. اما این نشئه، از آن نشئه جدا نیست. این عالم، از آن عالم جدا نیست. این عالم، مزرعه آن عالم است. مزرعه يعني چه؟ مگر مي شود محصول را از غير مزرعه چید؟ این، نهایت وحدت وهماهنگي و يکي بودن را مي رساند. با وجود این که در همه منطقه زندگي بشر در اسلام موقعیت دارد، درعين حال اسلام يک دين معنوي است. در محیط اسلام دلها باید به سمت خدا باشد. نيّتها باید براي خدا باشد. این از خصوصيات اسلام و از وسايل نشر اسلام است.

آنچه امروز در دنيا کمبود احساس مي شود و خود مردم دنيا هم آن را احساس مي کنند، کمبود معنويت و خلأ معنوي - بخصوص در دنيايي غرب - است. در مادیات مانده اند و از معنویات فاصله گرفته اند و غرق در شهوات شده اند. خاصیت شهوات این است که در بدو امر شهوت است؛ اما در استمرار و در ادامه، جهتم است! وقتي شهوات بر زندگي يک فرد یا ملتي حاکم شد، تبدیل به دوزخ مي شود. این، خاصیت شهوات بشري است. ممکن نیست کسی را ببینید که مدت مدیدی را در شهوات خوش بگذارند. چنین کسی را خدا نیافریده است. اگر بروید نگاه کنید؛ ببینید و تحقیق کنید، به این معنا خواهید رسید. این يک امر مسلم و واضح است. ادامه بقا در شهوات، براي انسان جهتم است. و این، همان جهتمی است که امروز گریبانگیر عده اي از مردم متنعم غرب شده است. آنهايي هم که متنعم نیستند، در جهتمی از فقر و بیچارگي و فساد غرقند. البته اشخاصي مستثني هستند. از هر طبقه اي، لابد اشخاصي مستثنايند. قطعاً هم آدمهاي خوب در آن جا هستند. لکن نوعیت این است.

دنيايي امروز، به این بعثت احتیاج دارد. در ايران اسلامي چنین نیست که ما هم حکومتی مثل بقیه حکومتها هستیم. چند صباحي خاندان فلان و چند صباحي خاندان بهمان هستند و حالا هم مسلمين و مؤمنين بر این کشور حکومت مي کنند. قضیه ما این گونه نیست. قضیه ما قضیه يک پیام است. قضیه يک بعثت است. ما حرف نوي را

به مردم دنیا عرضه می‌کنیم. مسأله، این است. این حرف و پیام نو، اگر چه که اولین اثرش باید در داخل زندگی خود ما و کشور ما دیده شود، اما برای دنیا یک راه جدید ارائه می‌کند. این را کارگزاران جمهوری اسلامی، نباید فراموش کنند. این نظام، نظامی است که آمده است به بشریت، بعثت الهی را نشان دهد. نیامده است که از جوامع و دولتها و نظامهای گمراه، چیزی یاد بگیرد. ممکن است ما خیلی بد باشیم؛ خیلی ناقص باشیم؛ برای حمل این پیام خیلی کوچک باشیم؛ اما این پیام، پیام نجات بشر است. بر سر آن نمی‌شود چک و چانه زد. ماحق نداریم از این پیام به خاطر این که با سلیقه ما این طور در می‌آید چیزی کم کنیم. خیر! این پیام، پیامی برای بشریت است. و بشر به آن احتیاج دارد. ما دوست بشریتیم. ما دشمن بشریت نیستیم. ما دوست علم و پیشرفت و بهروزی و راحتی همه ملت‌های دنیا هستیم. ما می‌دانیم آنها از چه رنج می‌برند: آنها به معنویت احتیاج دارند و معنویت این جاست. البته معنویت تحمیلی هم نیست. تحمیلی که بشود، دیگر آن اثر را نخواهد داشت. ما آن را عرضه می‌کنیم. در این جا دو نکته هست که باید به آن توجه شود. به یک نکته من و شما؛ یعنی آحادی که در این نظام مسؤولیتی داریم باید توجه کنیم. آن نکته این است که ما نه فقط به عنوان یک مدیر و یک حاکم، بلکه به عنوان عرضه کننده یک اندیشه نو در دنیا، باید خودمان را بشناسیم و این طور باید عمل کنیم؛ این طور باید مشی کنیم؛ این طور باید رفتار خودمان را با اسلام تطبیق دهیم؛ و خلوص و استقلال این اندیشه و فکر را نگهداریم.

یک نکته هم با مردم دنیاست. وسایل ارتباط جمعی استکبار تلاش می‌کنند که جمهوری اسلامی را متعزّض، متجاوز و در صدد قلع و قمع همه نظامهای دنیا معرفی کنند. اما این گونه نیست. هرکس در دنیا، هر طور می‌خواهد، زندگی می‌کند. ما فقط آنچه را که بشر به آن نیازمند است عرضه می‌کنیم. امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام فرمود: «طیب دوار بطبه قد احکم مراحمه واحما مواسمه.» در کوله پشتی ما دواي درمان دردهای امروز بشریت است. هر که نمی‌خواهد از این کوله پشتی نگیرد و نبرد. ما که با کسی دعوا نداریم. اگر بشر از بحران هویت رنج می‌برد، از بحران معنویت رنج می‌برد، از بی‌احترامی نسبت به سنت‌های بشری رنج می‌برد؛ پدر به پسر رحم نمی‌کند، پسر به پدر احترام نمی‌کند، پاس سنت‌های گذشته را نمی‌دارند، ارزشی برای ارزش‌های غیر شخصی قائل نیستند، این یک بحران است. امروز ملت‌های غرب به این بحران دچارند؛ و علاجش در اسلام است. اگر امروز ثروت ثروتمندان در دنیا روزه روز افزایش می‌یابد و اشخاص و کمپانیها و شرکتهایی، ثروتهای افسانه‌ای میلیاردي تحصیل می‌کنند، و در مقابل، انسانهایی در کنار همان ثروتها، شب در کارتون، روی آسفالت خیابان می‌خوابند؛ اینها از مشکلات غرب است. اگر باوجود هزاران توصیه راجع به ازدواج و تبلیغات خانواده و نظایر آن، روزه روز بنیان خانواده در کشورهای غربی سست تر می‌شود؛ اگر دخترها و پسرها ناراحتند؛ اگر همانهایی که خودشان شریک این جرمند ناراحتند؛ اگر بنیان خانواده متزلزل است و بچه‌ها ناراحتند؛ اگر بحران روانی همه را فرا گرفته است، اینها به خاطر چیست؟ این همه خودکشی برای چیست؟ در طول همین چند ماه گذشته، یا شاید حدود یک سال گذشته، چند صد نفر در کشور ایالات متحده - که به خیال خودشان در اوج قله علم و ثروتند؛ و خیال می‌کنند ارزش اینهاست - به وسیله اشخاص دیگر کشته شده‌اند. حالا با هلیکوپتر در بیابانها بگردند برای تظاهر به محبت و رأفت و رحمت نسبت به گریه یا سگ گمشده‌ای! مگر کورند؟! مگر نمی‌بینند که در شهرها و ایالات امریکا چه خبر است؟! یک نفر وارد کویه یک قطار می‌شود و با مسلسل، چند نفر را می‌کشد. از این کویه می‌آید و باز در کویه بعدی، چند نفر دیگر را می‌کشد. و همین طور... اگر بشریت از این دردهای لاعلاج رنج می‌برد، ما می‌گوییم: علاجش این جاست؛ علاجش اسلام است. این است تجدید بعثت در دنیای امروز. و امروز شما پیشقراولید. ملت ایران پیشقراول است. باید عمل کند و با اعتماد و اتکا به نفس هم باید این عمل را بکند؛ چون دنیا محتاج ماست.

حالا تبلیغات می‌کنند که «ایران با همه مسأله دارد؛ ایران با همه مشکل دارد!» نه آقا! ایران فقط با دستگام‌های سازمان امنیت دولتهای مستکبر دنیا که از کربه‌ترین جاهای آن کشورهاست، مسأله دارد. با همانهایی که همین تبلیغات رسانه‌ای را درست می‌کنند. شما خیال می‌کنید تبلیغات این رادیوهای بیگانه را چه کسی تنظیم می‌کند؟ مثلاً تبلیغات همین بی‌بی‌سی انگلیسی را چه کسی درست می‌کند؟ سازمان امنیت انگلیس! می‌نشینند برنامه ریزی می‌کنند و چیزی را درست می‌کنند... ما یک کشور و ملتی هستیم که یک پیام داریم. جمعیتی هستیم که قدرت و

سابقه و افتخاراتی داریم. افتخاراتی در گذشته و افتخاراتی در امروز. شخصیتی مثل امام در میان ما بوده است که در دنیا چنین شخصیتی را نه امروز و نه در زمانهای نزدیک به ما - تا آن جا که ما می شناسیم - سراغ نداریم. جوانانی را داریم با آن عظمت؛ که خودشان را نشان دادند. مادرهایی داریم، پدرهایی داریم، خانواده هایی داریم، دانشمندانی داریم. به چیزی و کسی هم احتیاج نداریم. البته از کسی هم نمی ترسیم؛ از هیچ کس! ما می خواهیم چه بکنیم که برویم سراغ فلان کشور؛ فلان جا را فتح کنیم؛ فلان جا را خراب کنیم؛ فلان جا را به هم بزنیم؛ فلان جا را منفجر کنیم. این کار، کار دستگاههایی ضد بشری همان حکومتهایی است که دچار آن طور مشکلات هستند. این کارها کار ما نیست.

ما پیامان پیام اسلام است. یکی از همان چیزهایی که عرض کردم از عوامل انتشار اسلام است، رفق است. «ما کان رفق فی شیء الا ذانه.» رفق یعنی همواری. رفق به معنای سستی نیست. رفق به معنای خاکریز نرم قابل نفوذ نیست. رفق یعنی ناهنجار نبودن، ناهموار نبودن، جگرخراش نبودن. این معنی رفق است. شما به یک عنصر بسیار سخت، مثل فولاد که می زنید، دستتان احساس ناراحتی نمی کند؛ احساس ناهنجاری و ناهمواری نمی کند. رفق -نرمی به این معناست. هنجار درست. این، معنای رفق است. گاهی هم ممکن است به یک چیز که دست می زنید، دست را بخراشد و زخم کند؛ درحالی که جنسش مثل فولاد نیست. از یک تکه چوب است. چوب را ممکن است ناهموار بتراشند. بعضی، حرف ناهق را، حرف سست را، سخن کم محتوا را، طوری می گویند که همه را می خراشد. ممکن هم هست یک فکر با محتوا، یک فکر درست و یک فکر قوی را طوری بیان کرد که با همه استحکام، هیچ ناهنجاری نداشته باشد. اسلام، این است. قرآن، این است.

درس بعثت برای ما باید این باشد، برادران و خواهران عزیز من! درس قرآن باید این باشد که ما پیام آور یک سخن نو هستیم و خودمان باید احترام آن سخن نو را حفظ کنیم. تا آن جا که برای بشر ممکن است، اولین عمل کنندگان باشیم. ثانیاً؛ آنچه که ما در دست داریم، مورد نیاز انسانهایی است که از خیرات واقعی زندگی دور مانده اند. این چیزهایی را که داریم، بی خود با حرفهای این و آن، با سوغاتیهای دروغین همان متفکرینی که آن دنیای جهتمی را برای مردم خودشان با آن حرفها به بار آورده اند، مخلوط نکنیم.

سوم این که، در مقابل حرفهای قلمبه سلمبه دیگران، احساس ضعف نکنیم. منطق این جاست. حرف درست این جاست. اگر شما یک وقت می بینید چیزی برایتان جا نیفتاده، باید بدانید که درستش دستتان نیست. باید بروید سراغ اهلش، تا درستش را به شما بدهند؛ منطقی اش را، مستحکمش را، قوی اش را. و این، همان مشعلی است که پیغمبر اکرم برافروخت. آن روز دنیایی را روشن کرد؛ آن روز تمدنهایی را - نه یک تمدن را - پایه ریزی کرد و امروز هم می تواند. آن روز هم دنیا چیزهای تازه ای داشت: علم داشت؛ پیشرفت داشت؛ انطواکیه را داشت؛ روم را داشت؛ یونان را داشت؛ ایران را داشت؛ هگمتانه را داشت؛ پرسپولیس را داشت. آن روز هم دنیا آن چنان تهی تهی نبود. اما وقتی این مشعل روشن شد؛ وقتی این خورشید فروزان شد، همه شمعهها فروغ خودشان را از دست دادند و این بر همه غالب شد. «لیظهره علی الدین کله» آمد تا معنویت را به طور طبیعی غلبه دهد. وقتی خورشید طلوع می کند، اگر شما وسط نور خورشید هزار شمع هم بگذارید، اصلاً نوری ندارد. بعثت، این طور ظهور و غلبه ای است. این همان شمع است. این، همان چراغ است. این، همان مشعل است. این، همان خورشید است. قدرش را باید بدانیم. بعثت را باید در خودمان و در زندگی مان زنده کنیم.

باید از خدای متعال هم کمک بخواهیم و خدا هم کمک خواهد کرد.

پروردگارا! ما را مشمول دعوات ولی عصر ارواحنفاذاه قرار بده. ما را مشمول هدایت و رحمت خودت قرار بده. قلب و جسم و عمل و زبان و فکر ما را نورانی کن. خود ما و ذریه ما را با اسلام زنده بدار و با اسلام بمیران. امام بزرگوار ما را با اولیای خودت محشور فرما و این عید را بر همه مؤمنین و مؤمنات - در سرتاسر عالم - مبارک گردان!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.